



ج. ما امروز با تعداد کثیری از استودیوها در اقصی نقاط کشور، از مشهد تا زاهدان و از اردبیل تا اهواز کار می‌کنیم و اگر در توزیع سرمایه عادلانه عمل کنیم و با خطرپذیری تعداد زیادی از ایشان را به عرصه تولید آثار بزرگ راه دهیم، همه آنها توانایی انجام آثار بزرگی را دارند. قدم‌های خوبی در این مسیر برداشته شده، اما همچنان کافی نیست. نتیجه اینکه به تمام این موارد می‌توان مسائل دیگری را اضافه کرد، اما همه ما، از مدیران فرهنگی تا هنرمندان و تهیه‌کنندگان و استودیوها باید دست به دست هم بدهیم و با همراهی بنیاد ملی پویانمایی، با تمام توان در رفع این آسیب‌ها و نقصان‌ها افق روشن و روشنی‌تری را برای انیمیشن در حال شکوفایی ایران رقم بزنیم.

زیبایی‌شناسی انیمیشن ایرانی، تنها راه تثبیت هویت اختصاصی ما در این هنر است. تولید پایدار، با سرمایه‌گذاری مستمر شکل می‌گیرد، اما امتدادش با اکران پایدار محقق خواهد شد. ما با حجم زیادی از تولید آثار سینمایی، امروز باید امکان حضور جدی در اکران را برای همه آثار ایجاد کنیم. باید نگاه‌مان به انیمیشن، یک امر مصرفی کودکان نباشد. انیمیشن‌ها آینده بچه‌ها را می‌سازند و اگر بخواهیم آینده بچه‌های این سرزمین و پرورش و آتیه‌شان در اختیار خودمان باشد، سرمایه‌گذاری در تولید انیمیشن و توزیع مستمر سینمایی و بعدتر در حوزه سریال تلویزیونی یک امر غیر قابل چشم‌پوشی است. امروز باید باور کنیم تولید پایدار به توزیع و اکران پایدار گره خورده است.



ث. انیمیشن ایران، به شدت متأثر از جهان دیزنی و پیکسار است. شخصیت‌های خلق شده به لحاظ بصری، از قوانین خلق شخصیت در دیزنی و پیکسار پیروی می‌کنند. حتی جهان گرافیکی سینمایی‌های سحرآمیز ما متأثر از جهان امریکایی است. ما امروز با وجود توانایی خیلی زیادی که داریم، هنوز نمی‌توانیم به لحاظ فرمی و گرافیکی انیمیشن ایرانی را تعریف کنیم. هنوز نمی‌توانیم جهان مختص خودمان را بسازیم و این آرزوی است که مدیران فرهنگی و هنرمندان باید همگی برای نیل به آن تلاش کنیم.

ث. در همه جهان میان انیمیشن هنرمندانه و انیمیشن صنعتی فاصله وجود دارد. در ایران نیز چنین است. دانشگاه‌های ما در دهه اخیر متخصصانی را تربیت کردند که به جبر نبود سازکارها، ساختارمندی مناسب، سرمایه‌گذاری و متاثر از ذائقه اساتید به سمت ساخت فیلم کوتاه هنرمندانه رفتند و کمتر فرصت این را یافتند تا به تیم‌های تولید صنعتی برای آثار بلند بپیوندند. این فاصله را باید هرچه سریع‌تر میان صنعت و دانشگاه رفع و از هنرمندان خوب تربیت شده در محیط‌های آموزشی در آثار تجاری استفاده کنیم.



آثار کودک یا نوجوان را شناساند و آن به نگارش اثر بپردازد. همچنین در سطح حرفه‌ای تر ما فاقد شخصیت خالق انیمیشن‌ایم. کسی که پیش از فیلمنامه‌نویسی و تهیه‌کننده و کارگردان و تیم پیش تولید و پس تولید، جهان داستان را از ایده تا انتهای بازاری‌پردازی و استمرار برند طراحی کند و مراحل آن را گام‌به‌گام بسازد. کسی که انیمیشن را حرفه‌ای و جهانی کند. فقدان فیلمنامه‌نویس متخصص انیمیشن و بعدتر خالق جهان انیمیشن، امری است که باید خیلی زود برای رفع آن در دانشگاه‌ها و آموزشگاه‌ها بکوشیم.



فرصتی برای رشد زیست بوم پویانمایی ایران

بروند و حتی از راه یکدیگر بی‌خبر باشند و گاهی به راه‌های تکراری بروند، درحالی‌که نظاره‌گر هم‌افزایی‌های واقعی و بلندمدتی در آن سوی مرزها هستیم که به‌وضوح یا زیرپوستی در فضای تولید و توزیع و ترویج پویانمایی در جهان راه باز می‌کنند و همه با هم پیش می‌روند.

سوم، محدودانگاری زمینه‌ها و فرصت‌ها، که می‌خواسته حدود حضور پویانمایی را در هر دوره‌ای به یکی از عرصه‌های بروزش کاهش دهد و این یعنی درحالی‌که قدرت در استفاده حداکثری در هر عرصه ممکن و میسر از تولیدات دراماتیک گرفته تا آموزشی و تبلیغی است، پویانمایی ایران را تک‌بعدی نگه داریم و فقط در یک زمینه برایش سرمایه‌گذاری کنیم.

و در آخر، بیش معطوف به تک‌اوج‌ها، که هرگز از نیازها و کمبودها و باید‌ها حرف به میان آمد نگاه‌ها را به موفقیت‌های چشمگیر اما معدود جلب کند و نگذارد نرخ رشد کل زیست بوم بررسی شده و برایش تدبیری در پیش گرفته شود. امروز اما به‌تمرکز مسئولیت راهبری، تنظیم‌گری و حمایت نسبت به کل زیست بوم فرهنگی پویانمایی در نهاد مستقلاً همچون بنیاد ملی پویانمایی ایران می‌توان امیدوار بود

که تلاش‌ها بر راهگشایی و نتیجه‌بخشی در این عرصه با دقت و سرعت انجام شود تا قدم‌های مؤثری به سوی درخشیدن پویانمایی ایران در عرصه جهانی برای مخاطب برداریم.



یادداشت
فرزانه خیران
مدیرعامل بنیاد ملی پویانمایی ایران

فارغ از تعارف‌های انگیزه‌بخش و توصیف‌هایی قدرشناسانه، در پویانمایی ایران کارهای زیادی در پیش داریم. صدها هنرمند و متخصص و سازنده و مدرس طی به‌خصوص سه دهه گذشته در کشورمان پای کار پویانمایی هم نشستند و هم ماندند. آثار زیادی بنا به توانایی‌های موجود ساخته شد که کم‌توعی ندارند، به قدر وسع کوشیده شده و نقطه‌اوج‌هایی هم دیده می‌شود، اما پرداختن به پرسش‌هایی از این دست مهم است که آیا پویانمایی ایران به تناسب قابلیت‌هایش توانسته خودش را به مخاطب و به بازار نشان دهد؟ آیا سرعت و وسعت رشد و بروند پویانمایی ایران متناسب با انتظاراتی است که از این هنر صنعت-رسانه می‌رود؟

سیمپهر پویانمایی ایران در چه نسبتی با پویانمایی جهان قرار دارد؟ با چنین علامت‌سؤال‌های متعدد در عرصه پویانمایی کشورمان با زمان‌های مواجهیم که مدت‌هاست قدرت‌های شرق و غرب از این ابزار برای بیان و گسترش ایدئولوژیک‌ترین و پرورش‌ترین اهداف و آرایشان در عمیق‌ترین لایه‌های زندگی بشری استفاده کرده‌اند. باوجود این همچنان مواجه بوده‌ایم با تفکر تارتینده‌ای در فضای تصمیم‌گیری و راهبری که پویانمایی را از چند وجه از کارکرد همه‌جانبه‌اش دور نگه می‌داشته است:

اول، اصرار بر کفایت هنر برای هنر، که پویانمایی را به صرف تولید پویانمایی کافی می‌داند و لزومی بر کارکرد و حضورش در فضای مفهومی و مضمونی نمی‌بیند. جالب توجه اینکه تمام تلاشش را هم می‌کند تا در اذهان مرتبط و غیرمرتبط جا بیندازد که تأثیر همین است و باید به همین راضی بود، درحالی‌که مثلاً فرزندان با تمام ارقام تجاری با تصاویر پویانمایی‌های هالیوودی احاطه شده، جهان‌انیمه‌ها موضوع گفت‌وگوی هر روز او و همسالانش است و در یوتیوب محتوای آموزشی از دریافت می‌کند که با پویانمایی ساخته و ارائه شده است.

دوم، اجرای مدیریت جزیره‌ای، که موجب شد هر کسی برای پویانمایی از ظن خودش تصمیم بگیرد و اجرایی‌کننده و قسمتی از بیت‌المال را به این جریان وارد سازد، اما این بازوهای مؤثر در تناسب و ترکیب جامع با یکدیگر قرار نگیرند و ذیل یک تصمیم‌سازی کلان هر کدام قسمتی از این بار را به دوش نکشند، بلکه هر یک به راهی



اجرای مدیریت جزیره‌ای موجب شد هر کسی برای پویانمایی از ظن خودش تصمیم بگیرد و اجرایی‌کنند



انتظار تهیه‌کننده «شمشیرانده» از بنیاد ملی پویانمایی شناساندن ظرفیت‌های انیمیشن ایران به بازارهای بین‌المللی

حاصل نبود متولیان جدی این عرصه می‌داند و درعین حال معتقد است در صورتی که چنین نهادی با راه‌اندازی نتواند مشکلات مطرح شده را برطرف کند قطعاً این عرصه را پیش از پیش خواهد کرد.

او مسیر رسیدن به مکتب پویانمایی ایرانی را به لحاظ دانش و تجربه کوتاه‌تر از آسما و آرزوی می‌داند اما لازمه رسیدن به چنین مقصودی را چند پیش شرط عنوان می‌کند: «در این مسیر راه‌اندازی دانشگاه تخصصی انیمیشن یا هنرهای دیجیتال و فعالیت آموزشی حرفه‌ای در تمام سطوح تولید انیمیشن از ایده و متن و محتوا تا تولید فنی و هدایت جریان تولید به این سمت با بهره‌گیری از پیشگسوتان بزرگ این صنعت، سرمایه‌گذاری هدفمند برای تولید انیمه و با کیفیت و سیاست‌گذاری درست در بخش و ... برای رسیدن به این هدف بسیار مؤثر است.»



دولت برای بهبود و توسعه بیشتر هنر-صنعت خودشکوفای انیمیشن در کشور است. یعنی باید بخشی در دولت به درستی شکل بگیرد که برای توسعه شکوفایی‌هایی که تاکنون رخ داده است بتواند الگوی درست یافته و تلاش کند تا با تکثیر آن الگوها موفقیت‌ها را تکرار نماید. البته به نظر من نهاد اشتباه فقدانش بهتر از حضورش خواهد بود و بهتر است تا وقتی از یک موضوع به شناخت درست و کاملی دست نیافته‌ایم، برای آن نسخه نیچیم.

تأسیس بنیاد ملی پویانمایی ایرانی چه کارهایی مانده و چه مسیری در پیش است؟ شکل‌گیری مکتب انیمیشن به دو بال اصلی احتیاج دارد: یکی ساخت و تولید محتوای انیمیشن بیشتر و دیگری توجه به محوریت و تألیف کمپانی‌ها در شکل‌گیری مکتب، وقتی

من در رأس توقعات و انتظارات از این بنیاد قرار دارم. جعفری جوزانی در پاسخ به این سؤال که حمایت و نظارت و راهبری را در چه حیطه‌هایی ضروری می‌داند، توضیح می‌دهد: «تمام مجوزها و اختیاراتی که در بخش‌های مختلف ساختار کشور پراکنده شده اعم از مجوز ساخت، پروانه اکران، اعطای مجوز مؤسسه فرهنگی هنری تک منظوره در حوزه ساخت انیمیشن، سازماندهی تهیه‌کنندگان، کارگردانان و سایر فعالان حوزه پویانمایی، بیمه فعالان انیمیشن و ... باید در اختیار بنیاد ملی انیمیشن قرار گیرد.»

او معتقد است برگزاری جشنواره‌ای حرفه‌ای و تخصصی در قواره بین‌المللی به معنای واقعی کلمه و نه صرفاً شعاری و نمایشی هم برای راهبری فعالان حوزه انیمیشن می‌تواند اقدام مهمی باشد. این تهیه‌کننده و کارگردان حوزه انیمیشن در ادامه، حمایت گرمی و ارائه تسهیلات برای ورود تجهیزات و زیرساخت‌های مهم و گرانقیمت و همچنین حمایت از توسعه شرکت‌های بزرگ تولید انیمیشن از طریق ارائه تسهیلات بلندمدت را ضروری می‌داند. معافیت مالیاتی دیگر دغدغه مهمی است که اغلب فعالان این حوزه بر آن تأکید دارند. جعفری جوزانی می‌گوید: «پیگیری برای دریافت معافیت‌های مالی و نگاه درست فرهنگی به شرکت‌های فعال در حوزه انیمیشن که منجر به اعطای مجوزهایی برای معافیت‌های مالیاتی و.. خواهد شد، لازم است در کانون توجه قرار بگیرد.» جعفری جوزانی تمام دغدغه‌های مطرح شده و مشکلات منبث از آن را

مهدی جعفری جوزانی، تهیه‌کننده انیمیشن «شمشیرانده» و از فعالان موفق صنعت بازی، شاخص‌ترین مسأله پویانمایی در ایران را پایدار می‌داند و یکی از مهم‌ترین توقعاتش از بنیاد ملی پویانمایی را افزایش تعداد ملات بین‌المللی برای شناساندن ظرفیت‌های انیمیشن ایران به بازارهای بین‌المللی عنوان می‌کند.

او در پاسخ به سؤالی درباره مهم‌ترین چالش حوزه پویانمایی ایران می‌گوید: «کو سیستم هنر صنعت پویانمایی در ایران با وجود پیشرفت‌های مهم در عرصه هنری هنوز به معنای واقعی و پایدار به صنعت تبدیل نشده یعنی اقتصاد پایدار در عرصه پویانمایی در زنجیره کامل این عرصه از محصول تا مرچندایز شکل گرفته است که این مهم‌ترین مسأله این حوزه است.» این فعال حوزه انیمیشن درباره اولویت انتظاراتش از این بنیاد تازه تأسیس توضیح می‌دهد: «سازماندهی تسهیلات برای حمایت مؤثر برای حضور فعال، پویا و ثمربخش در جشنواره‌ها، نمایشگاه‌ها و بازارهای تخصصی بین‌المللی و همچنین افزایش تعاملات بین‌المللی برای شناساندن ظرفیت‌های انیمیشن ایران به بازارهای بین‌المللی از نگاه

رئال و یک فیلم انیمیشن با شرایط برابر متقاضی اکران بودند، اولویت با فیلم انیمیشن باشد یا اگر همه فیلم‌ها در سینما شش هفته برای حضور در سرگروه فرصت دارند، فیلم‌های انیمیشن ۱۰ هفته فرصت اکران در سرگروه داشته باشند. از این موضوعات می‌توان هزاران مثال پیدا کرد. فقط بایستی افرادی که شناخت کافی از موضوع دارند بر موضوع متمرکز شده و با مشورت نخبگان و اهل فن راهکارهای حمایتی و نقاط نظارتی درست برای تولی‌گری دولت را بیابند.

فقدان چنین نهاد مستقلی تا به حال چه مسأله‌ای ایجاد کرده بود؟ در راه‌اندازی این نهاد، مستقل بودن یا وابسته بودنش چندان برای ما اهمیتی ندارد. آن چیزی که برای ما مهم است، فکر و چاره‌اندیشی درست

در رقابت با آثار رئال فرصت‌های ویژه‌تری ایجاد نماید. به عنوان مثال می‌شود در این نام‌های اکران اینطور پیش‌بینی کرد که اگر یک فیلم